مراتب توحید: از «عینیت صفات با ذات» تا «نفی صفات»

آقای طباطبایی در اینجا در مقام ردّ این هستند، اما ردّی عمیق و منطقی که می‌خواهد «**کمال الاخلاص نفی الصفات عنه**[3]» را تثبیت کند.

این که می‌گوییم صفات عین ذاتند، مربوط به یک مرحله است؛ نه مربوط به نظر نهایی. نظر نهایی، نفی الصفات عنه است. چون صفت، تاخر ذاتی دارد از ذات. این مطلب خیلی قوی‌می است. البته صفات، عین ذاتند در جای خود درست است؛ اما مطلب نهایی نیست. گمان نشود که این ها دو مطلب در مقابل همدیگر است. از این مسیر عینیت ذات و صفات که می‌روید به آن مطلب بلند می‌رسید که «**کمال الاخلاص نفی الصفات عنه**».

حدیث هشام

عن هشام بن سالم قال: دخلت على أبي عبد الله ع فقال لي أ تنعت الله فقلت نعم قال هات فقلت وه السميع البصير قال هذه صفة يشترك فيها المخلوقون قلت فكيف تنعته فقال وه نور لا ظلمة فيه و حياة لا موت فيه و علم لا جهل فيه و حق لا باطل فيه فخرجت من عنده و أنا أعلم الناس بالتوحيد**[4]**.

حضرت فرمودند: آیا خدایت را توصیف می‌کنی؟ گفت بله او سمیع و بصیر و ... است. حضرت فرمود «**هذه صفة يشترك فيها المخلوقون**» این ها که در مخلوقات هم هست. هشام گفت پس چه بگویم؟ حضرت فرمود: بگو: « **وه نور لا ظلمة فيه و حياة لا موت فيه و علم لا جهل فيه و حقّ لا باطل فيه** ». هشام معلوم می‌شود که چیز خوبی فهمیده بود و حضرت او را پَر داده بودند و از یک مرحله‌ی معرفتی او را بالا بردند؛ لذا وقتی از محضر حضرت خارج شد، می‌گفت: « **أنا أعلم الناس بالتوحيد**».

ولی با توجه به مجموع روایات اهل بیت، می‌گوییم هشام اعلم الناس در آن موقع بود، اما مطلب معارفی ای که حضرت به ایشان گفتند، بالاترش هم گفتند. «**علمٌ لا جهل فيه**» یک مرحله است. از این مرحله جلوتر می‌رود و می‌شود: « **كمال الاخلاص نفی الصفات عنه**»

---

[3] نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: 39 خطبه اول

[4] . توحید صدوق، ص146

بازبینی #2
ایجاد شده 28 اوت 2025 15:00:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 اوت 2025 15:03:13 توسط ... .